کد خبر: ۴۵۳۲۱۷
پنج شنبه ۴ شهریور ۱۴۰۰ ۸:۲۱

یادداشتی از دکتر محمد رضا سعیدی

آشنایی به مکتب تفکیک

اصطلاح مکتب تفکیک را نخستین بار محمدرضا حکیمی در مجله کیهان فرهنگی برای مکتب معارفی خراسان پیشنهاد کرد و پس از آن این اصطلاح رواج یافت.

به گزارش خبر، "دکتر محمدرضا سعیدی دانش آموخته تاریخ و مطالعات سیاسی واسلامی، در یادداشتی ارسالی به پایگاه خبری گزارش خبر درخصوص"آشنایی به مکتب تفکیک" آورده است:

مکتب تفکیک یا مکتب مَعارفی خراسان، اندیشه‌ای مبتنی بر خالص‌سازی معارف دینی و تفکیک و جدایی آن از اندیشه‌های فلسفی و عرفانی که آغازگر آن میرزا مهدی اصفهانی در مشهد بوده است. میرزا مهدی اصفهانی، سید موسی زرآبادی، محمود حلبی، محمدباقر ملکی میانجی، میرزا جواد تهرانی، حسنعلی مروارید، هاشم قزوینی، مجتبی قزوینی، جعفر سیدان و محمدرضا حکیمی، از اندیشمندان این مکتب دانسته می‌شوند. کتاب‌ها و مقالات فراوانی در رد و تأیید این اندیشه نگاشته شده است.

اصطلاح مکتب تفکیک را نخستین بار محمدرضا حکیمی در مجله کیهان فرهنگی برای مکتب معارفی خراسان پیشنهاد کرد و پس از آن این اصطلاح رواج یافت. برخی پژوهشگران نیز این عنوان را مناسب ندانسته و عنوان مکتب معارف خراسان را ترجیح داده‌اند. محمد رضا حکیمی در مقدمه کتاب خود چنین می گوید:

“این جانب از سالهای پیش در نوشته های خویش اصطلاح مکتب تفکیک را درباره مبانی شناختی و مکتب معارفی خراسان پیشنهاد کرده‌اند و به کار بردم و نوشتن کتابی را به نام شیخ مجتبی قزوینی و مکتب تک تفکیک وعده داده‌ام”

وی همچنین در این کتاب خواننده را به چند نکته متوجه می سازد و می گوید:

مکتب تفکیک چنانکه از نام و عنوان آشکار از ضد فلسفه نیست ضد تعطیل است و معتقد است که تفکیک میان فلسفه و عرفان و قرآن یک ضرورت علمی است. این مکتب نمی گوید فلسفه خوانده نشود و مطرح نباشد و فلسفه دان نداشته باشیم. هرگز ،بلکه می‌گوییم مفاهیم و معارف مرزبندی گردد .

درباره خواندن فلسفه شرایطی چند باید رعایت گردد. البته شرایط علم آموزی و دانشجویی شدن اختصاص به فلسفه ندارد همه رشته‌های علوم حتی علوم دانشگاهی و حتی حرفه ها و صنایع شروط و آدابی دارد وگرنه افتادن تیغ از در کف زنگی مست و مجهز گشتن افراد از برای هجوم به جامعه و سوء استفاده از مردم در صورتی که باید نظر خدمت به مردم باشد

موضوع عقل و تعقل در این مکتب نقش بنیادی دارد منطق باید به روش قرآنی باشد تا انسان را از عقل صوری و تقبل نوری برساند و به استفاده از این عقل را برگردد.

مکتب تفکیک بر اجتهاد تاکید دارد و بزرگان این مکتب خود اصولی بودند و دوره‌های خارج اصول تدریس کردند. البته این بزرگان با تورم زیانبار و عمر سوز و بی‌حاصل علم اصول مخالف‌بوده و در این مقوله بسیاری از علمای استان با آنان موافقندمکتب تفکیک یا مکتب مَعارفی خراسان، اندیشه‌ای مبتنی بر خالص‌سازی معارف دینی و تفکیک و جدایی آن از اندیشه‌های فلسفی و عرفانی که آغازگر آن میرزا مهدی اصفهانی در مشهد بوده است. میرزا مهدی اصفهانی، سید موسی زرآبادی، محمود حلبی، محمدباقر ملکی میانجی، میرزا جواد تهرانی، حسنعلی مروارید، هاشم قزوینی، مجتبی قزوینی، جعفر سیدان و محمدرضا حکیمی، از اندیشمندان این مکتب دانسته می‌شوند. کتاب‌ها و مقالات فراوانی در رد و تأیید این اندیشه نگاشته شده است.

برش هایی از کتاب مکتب تفکیک اثر زنده یاد محمد رضا حکیمی

تعریف مکتب تفکیک

در لغت به معنای جداسازی است و نابسازی چیزی و خالص کردن آن و مکتب تفکیک مکتب جداسازی سه راه و روش معرفت، و سه مکتب شناختی است در تاریخ شناخت ها و تعاملات و تفکرات انسانی یعنی راه و روش قرآن ،راه و روش فلسفه و راه و روش عرفان .و هدف از این مکتب ناب سازی و خالص ماندن شناخت های قرآنی و سره فهمی این شناختها و معارف است، به دور از تاویل و مزج با افکار و نحله ها و برکناری از تفسیر به رای و تطبیق ،تا حقایق وحی و اصول علم صحیح مصون ماند ،و با داده های فکری انسانی و حقوق بشری در نیامیزد و مشوب نگردد.

جریان های شناختی

در بستر تاریخ فکر و تامل انسانی سه جریان شناختی و معارفی و اعتقادی شکل گرفت .سه جریان که همه جریان‌های فکری و شناختی و اعتقادی و اقدامی و سلوکی انسان را تا همین امروز در برمی گیرد.

-۱ جریان وحی ،دین ـ قرآن

-۲ جریان عقل ، فلسفه ـ برهان

-۳جریان کشف ،ریاضت ـ عرفان

فلسفه اسلامی و طرحی کلی از آن:

در اینجا باید خاطرنشان سازم که از اصحاب مکتب تفکیک به هیچ روی منکر واقعیتی به نام فلسفه اسلامی و عرفان اسلامی چه عرفان نظری به چه عرفان عملی نیستند ؛بلکه به وجود فلسفه اسلامی و عرفان اسلامی مانند طب اسلامی و ادبیات اسلامی و معماری اسلامی و امثال آن معترفند و معتقدند که همانگونه که در تاریخ اسلام و در قلمرو سرزمین های خلافت اسلامی تمدنی گسترده پدید آمد و بشریت از آن بهره مند گشت ،در دامن این تمدن از جمله فلسفه اسلامی و عرفان اسلامی نیز پدید آمد و نضج یافت ،و فیلسوفان و عارفان بزرگی ظهور کردند و آثاری در مقوله خود بس عظیم ،و نسبت به میراث تفکر انسانی ،بس بزرگ پدید آورده اند این واقعیت جای انکار ندارد.

پس سخن چیست ؟سخن این است که این مکتب این فلسفه و این عرفان را …….چیزی می‌داند از سنخ تمدن اسلامی ،یعنی نشئت یافته از میراث سرزمین های غیر اسلامی و قبل اسلامی و پرورش یافته و صبغت پذیرفته در دنیای اسلام و پالوده گشته در ذهن نیرومند متفکران فیلسوف و عارف اسلام، چنانکه مورخان فلسفه نیز همین را گفتند و واقعیات متون نیز همین را فریاد می کند، به شرط آگاهی داشتن از ریشه‌های کهن مسائل و مباحث در طول تاریخ و سیر تحول و تطور آنها در سرزمین ها . بنابراین همانگونه که تمدن اسلامی در همه مظاهر خود برخوردار از میراث گذشتگان است که به‌دست مسلمانان تکامل پذیرفته است.

(به یاد استاد محمد رضا حکیمی رحمت الله علیه)

منبع: ر.ک؛ به مکتب تفکیک، محمد رضا حکیمی ،تهران انتشارات دلیل ما ،۱۳۸۳